

Corporation Sole in Law of Iran and Common Law

Behzad Pourseyyed
Mojtaba Shafizadeh

Having an assembly for a particular activity is what comes to mind as a signification of the word “corporation”. In the other words plurality of persons is one of the fundamental elements of this concept reflected in Civil and Commercial Codes in which plurality of partners is one of the conditions. Hence, establishment of a corporation by an individual is not permitted by the laws, yet the possibility of such work exists in the law of many countries like in the Company law of England, establishment of all types of corporations by an individual is recognized and permitted. These kinds of companies have been assessed for small and middle economic activities along with the growth and prosper of them. As these corporations have the potential of misuse, providing some arrangements sounds essential such as ascertaining the capital by the court, neglecting the legal personality whenever the establishment has happened under fraudulent purposes, and the responsibility of the shareholder by itself toward the creditors. Due to laws and regulation; however, establishment of these companies are impossible, according to fading the theory of contractual-basis of companies’ legal personality and accepting the organizational theory, reflection of these ones are going to be feasible and legal bases are not counted as an impediments before them.

Keywords: Company, Corporation Sole, Legal Personality, Establishment, Management, Winding Up.

شرکت یک نفره در حقوق ایران و کامن لا

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۰۵

بهزاد پورسید*

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۳/۲۳

مجتبی شفیع زاده**

چکیده

آنچه که از لفظ شرکت به ذهن متبادر می‌گردد، اجتماع چند نفر برای فعالیت خاصی است و به عبارت دیگر، تعدد افراد از مولفه‌های اصلی این مفهوم می‌باشد که این امر در قوانین مدنی و تجاری نیز منعکس شده است و تعدد شرکا شرط دانسته شده است. لذا تاسیس شرکت توسط یک نفر در قوانین مجاز شمرده نشده است. اما در قوانین بسیاری از کشورها امکان چنین امری وجود دارد به گونه‌ای که در قانون شرکت‌های انگلستان، تاسیس همه انواع شرکت را به صورت یک نفره امکان پذیر نموده است. این نوع شرکت را برای فعالیت‌های اقتصادی کوچک و متوسط و رشد و رونق اقتصادی کشورها مناسب ارزیابی نموده‌اند. اما از آنجایی که این نوع شرکت‌ها ممکن است تبدیل به وسیله‌ای برای سوء استفاده قرار گیرند، تمهیداتی در این راستا اندیشیده شده است؛ از جمله این که با توجه به عواملی چون فعالیت اقتصادی مورد نظر، دادگاه میزان آورده را مشخص می‌نماید و یا این که در صورت مشخص شدن این که شرکت برای اهداف متقلبانه تاسیس شده است، شخصیت حقوقی آن نادیده گرفته می‌شود و تک سهامدار به تنهایی مسئول کلیه بدهی‌های شرکت خواهد بود. از طرفی اگرچه این نوع شرکت از نظر قوانین امکان پذیر نیست لکن با کم رنگ شدن نظریه قراردادی بودن شرکت‌ها در تشکیل شخصیت حقوقی و پذیرش نظریه سازمان، می‌توان این نوع شرکت را در قوانین تجاری منعکس نمود و مبانی حقوقی، مانعی در برابر این مساله به شمار نمی‌رود.

واژگان کلیدی

شرکت، شرکت یک نفره، شخصیت حقوقی، تشکیل، اداره، انحلال

* استادیار پژوهشگاه قوه قضاییه

** دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه علوم قضایی

مقدمه

شرکت‌های تجاری به عنوان یکی از نهادهای مهم تاثیرگذار در اقتصاد کشورها هستند که نقش به سزایی در فعالیتهای اقتصادی و تجاری ایفا می‌نمایند و از این رو در هر نظام حقوقی، بخش مهمی از قوانین و مقررات را به خود اختصاص داده‌اند و لذا کوشیده شده است که با به روز رسانی و تنظیم مقررات این حوزه، اقتصاد کشورها تقویت گردد. از جمله مسائل مهمی که امروزه مورد توجه قانون گذاران این حوزه قرار گرفته است، نهادی به نام شرکت یک نفره است؛ یعنی شرکتی ابتداءً توسط یک نفر و بدون تعدد شرکا تاسیس گردد و یا این که پس از تشکیل، تعداد شرکا از حد نصاب کاهش یابد و به یک نفر منحصر گردد. این نهاد در نظام حقوقی بسیاری از کشورها وارد شده است لکن اگر چه در نظام حقوقی ایران مورد پذیرش قرار نگرفته است، چندان هم ماهیتی ناآشنا نبوده و شرکت‌های دولتی به گونه‌ای شرکت یک نفره به شمار می‌روند. با این حال بررسی این نوع شرکت جهت آشنایی با قواعد و مقررات آن در حقوق انگلستان و سپس امکان یا عدم امکان پذیرش آن بر اساس اصول و مبانی حقوقی در این تحقیق مورد نظر قرار گرفته شده است. در این راستا ابتدا به بیان مفاهیم اصلی تحقیق و پس از آن به شناسایی شرکت یک نفره در حقوق انگلستان و در نهایت به تحلیل این نوع شرکت در حقوق ایران و آثار آن پرداخته شده است.

۱. تعریف شرکت

با توجه به این که موضوع اصلی تحقیق بحث شرکت است، مساله را از منظر نظام حقوقی کامن‌لا و پس از آن از منظر حقوق ایران بررسی می‌نماییم.

۱-۱. حقوق کامن‌لا

در تعریف شرکت گفته شده است: «یک اجتماع افراد، در تعداد قابل توجه و علاقه‌مند در یک موضوع مشترک، که معمولاً برای پیگیری بعضی تصدی‌ها و تعهدات تجاری یا صنعتی یا دیگر کسب و کارهای قانونی، متحد و یک‌دست می‌شوند.» (Black, 1968, p) (428)

همچنین در تعریف شرکت در همین مفهوم گفته شده است: «یک شخصیت

حقوقی، که توسط قانون اجازه داده شده است و به گروهی از افراد از جمله سهام‌داران اجازه می‌دهد که یک سازمان مستقل را تشکیل دهند که بتواند بر مجموعه‌ای از اهداف تمرکز کند و با حقوق قانونی که معمولاً فقط برای اشخاص شناخته می‌شوند تقویت گردد؛ از جمله اقامه دعوی کردن و یا مورد تعقیب قرار گرفتن، مالک شدن دارایی و اموال، اجاره کردن کارمندان یا وام دادن و وام گرفتن.» (duhaime's law dictionary) با توجه به تعاریف ارائه شده، می‌توان چند نکته اصلی را به عنوان مشخصه‌های شرکت در نظام حقوقی کامن لا بیان کرد که مورد تأکید این تعاریف است؛ یکی این که شرکت، یک نهاد مستقل است که بر اساس قانون و رعایت مقررات آن‌ها تشکیل شده است و حاکمیت در آن نقش مؤثر دارد. وجود گروهی از افراد، داشتن هدف یا اهداف مشترک که با فعالیت و برنامه ریزی مشترک درصدد نیل به آن‌ها هستند نیز از دیگر مشخصه هاست.

۱-۲. حقوق ایران

قانون مدنی در ماده ۵۷۱ شرکت را به «اجتماع حقوق مالکین متعدد در شیء واحد به نحو اشاعه» تعریف کرده است. در این نوع شرکت هر یک از شرکا نسبت به جزء جزء مال الشرکه مشاعاً مالک هستند. مال مشاع از جهت اداره و تصرف، تابع اراده و توافق شرکا است^۱ و هر یک از شرکا به نسبت سهم خود در نفع و ضرر سهیم هستند، مگر این که برای یک یا چند نفر از آن‌ها در مقابل عملی سهم زیادتری منظور شده باشد. این نوع شرکت در اثر عقدی از عقود و یا حوادث قهری واقع می‌گردد. لکن باید گفت که همان گونه که برخی نویسندگان حقوق تجارت معتقدند، تعریف قانون مدنی از شرکت برای شرکت تجاری کامل نیست و برای تکمیل آن باید به مقرراتی که در قانون تجارت برای هر یک از شرکت‌ها وضع شده است مراجعه نماییم. (ستوده، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۹۲) در این راستا عده‌ای از حقوقدانان بر اساس تحلیل و برداشت خود تعریفی از شرکت تجاری ارائه داده‌اند که می‌توان گفت که بین این عده از حقوقدانان اتفاق نظر وجود ندارد و تعاریف گوناگون ارائه شده است. دکتر ستوده نیز این گونه تعریف ارائه می‌دهد که: «سازمانی که بین دو یا چند نفر تشکیل می‌شود که در آن هر یک سهمی به صورت نقد یا جنس یا کار خود در بین

می‌گذارند تا مبادرت به عملیات تجارتي نموده و منافع و زیان‌های حاصله را بین خود تقسیم کنند.» (ستوده، ۱۳۸۹، ص ۱۹۳)

دکتر اسکینی نیز بیان می‌دارند که «شرکت تجارتي قراردادی است که به موجب آن یک یا چند نفر توافق می‌کنند سرمایه مستقلى را که از جمع آورده‌های آن‌ها تشکیل می‌شود ایجاد کنند و به موسسه‌ای که برای انجام مقصود خاصی تشکیل می‌گردد اختصاص دهند و در منافع و زیان‌های احتمالی حاصل از به کارگیری سرمایه سهم شوند.» (اسکینی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۷)

حال با مورد توجه قرار دادن عناصر مشترک تعاریف انواع مختلف شرکت‌ها در قانون تجارت و قوانین دیگر فوق‌الذکر می‌توان گفت که شرکت تجارتي عبارت است از «شخصیت حقوقی» ای که با آورده‌ی دو یا چند نفر برای تجارت با اسم مخصوص و تقسیم سود ناشی از آن تشکیل شده و طبق قانون عمل می‌نماید.

۲. شناسایی شرکت یک‌نفره

در این قسمت در پی شناخت قواعد و مقررات مربوط به شرکت یک‌نفره در جنبه‌های مختلف آن هستیم و لذا مقررات مربوط به تشکیل، اداره و انحلال این نوع شرکت از مهمترین مباحث مربوط به این بخش است. همچنین بعضاً تدابیر خاصی در مورد مسائل و مشکلاتی که ممکن است با استفاده از این شرکت‌ها ایجاد شود نیز وجود دارد که مورد اشاره قرار خواهد گرفت.

لازم به ذکر است که قانون شرکت‌های انگلستان مصوب سال ۲۰۰۶ به عنوان یکی از به روزترین قوانین موجود در این حوزه در نظام حقوقی کامن‌لا بوده که دارای نوآوری‌هایی در زمینه شرکت یک‌نفره است. لکن باید این نکته را مد نظر داشت که در این قانون، فصل یا مبحث خاصی به صورت جداگانه این نوع شرکت را بررسی نکرده و قوانین مربوط به آن به صورت خاص ذکر نشده‌اند؛ بلکه در کنار دیگر مواد قانونی مربوط به حقوق شرکت‌ها به صورت کلی، بعضاً مواردی را برای این نوع شرکت بیان کرده و در دیگر موارد که در رابطه با این نوع شرکت به صورت خاص مطلبی را نیاورده، باید قوانین عام موجود در دیگر انواع شرکت‌ها را برای این نوع خاص از

شرکت نیز حاکم دانست.

تحولات بازرگانی و لزوم ترسیم مرزی روشن میان دارایی شخصی و تجاری اشخاص، منجر به پذیرش تدریجی شخصیت حقوقی تجاری و یا شرکت یک نفره در برخی کشورهای اروپایی گردید تا بدین وسیله سرمایه‌گذار و تاجر، اموال و دفاتر حسابداری کاملاً مجزا برای امر تجارت خود از دارایی شخصی و خانوادگی خویش تحت عنوان شرکت یک نفره ترتیب داده و نگران به خطر افتادن آرامش زندگی خصوصی در صورت ورشکستگی موسسه تجاری نباشد. بر همین اساس جامعه اروپایی در سال ۱۹۸۹ طی دستورالعمل دوازدهم خود به دولت‌های عضو تکلیف نمود تا نهاد شرکت یک نفره را وارد نظام حقوقی خود نمایند. (پاسبان، ۱۳۸۵، ص ۱۲۵)

۲-۱. مفهوم شرکت یک نفره

عبارت «شرکت یک نفره» را می‌توان این گونه تعریف کرد: «شرکتی که یک نفر، تعداد قابل توجهی از سهام را داراست و قدرت کنترل شرکت را در دست دارد زیرا باید حداقل ۲ نفر عضو برای شرکت خصوصی و ۷ نفر برای شرکت عمومی وجود داشته باشد و این شخص عملاً تمام سهام را داراست و دیگر اعضا که معمولاً از دوستان یا اعضای خانواده او هستند، یک یا دو سهم را دارا می‌باشند.» (Gonga, 2007, p 50)

در تعریفی دیگر آمده است: «شرکت یک نفره، شرکتی است که تنها یک عضو دارد؛ خواه شخص حقیقی باشد خواه شخص حقوقی؛ بدین معنا که مالکیت کلیه سهام شرکت متعلق به یک سهامدار است. به دلیل لزوم آشکار بودن هویت تک شریک، نام و مشخصات او در دفتر ثبت قابل دسترسی برای عموم است.» (Miao, 2012, p 2)

علاوه بر بیان تعاریف بیان شده، «شرکت یک نفره» را می‌توان با مقایسه کردن آن با بعضی طرق و نهادهای تجاری برای فعالیت تجاری نزدیک با آن از جمله «شرکت‌های معمولی» و «مالکیت انفرادی» تعریف نمود.

«مالکیت انفرادی»، یک مجموعه‌ی تجاری یک نفره است. به عبارت ساده، یک شخص بدون شراکت با دیگران و به طور معمولی مشغول به تجارت می‌شود. در مالکیت انفرادی «مالک انفرادی به تنهایی مالک همه‌ی اموال و دارایی‌های مربوط به فعالیت تجاری است و همچنین مسئول همه‌ی بدهی‌ها و تعهدات تجاری است. مالک

انفرادی شخصاً مسئول همه‌ی بدهی‌های قانونی و تعهدات تجاری است و مستحق (و مالک) تمامی سودهای فعالیتهای تجاری است.» (Schneeman, 2002, p1-2)

تفاوت‌های مختلفی بین شرکت‌های یک نفره و مالکیت انفرادی می‌تواند یافت شود. اولاً شرکت یک نفره، یک شخصیت حقوقی است در حالی که یک مالکیت انفرادی این گونه نیست چون دارای شخصیت حقوقی نشده است. ثانیاً فواید اقتصادی در مالکیت انفرادی وجود دارد؛ پرداخت مالیات کمتر، طولانی‌تر و بدون مدت پرداخت مالیات، ساده‌تر بودن فرایند تشکیل شرکت.» (Beihui, 2012, p 5)

«بدیهی است که شرکت یک نفره، یک شرکت است. این نوع شرکت متفاوت از انواع عادی شرکت^۲ است که توسط یک سهامدار تشکیل شده است. هدف نهایی فردی که یک شرکت را تشکیل می‌دهد و همه‌ی الزامات قانونی آن را هم انجام می‌دهد، به دست آوردن سود است. در شرکت یک نفره این فقط تک سهامدار است که همه‌ی سرمایه شرکت را خواه به صورت نقدی و خواه به صورت غیر نقدی پذیره‌نویسی می‌نماید.» (Tessema, p 5)

در نهایت با توجه به تعاریفی که از شرکت یک نفره بیان شده و مقایسه‌هایی که بین این نوع شرکت با مالکیت انفرادی و شرکت‌های متداول و عادی صورت پذیرفته است می‌توان گفت که منظور از شرکت یک نفره شرکتی است که تمامی سهام آن متعلق به یک شخص باشد و بر خلاف دیگر شرکت‌ها، تعدد سهامدار و عضو نداشته باشد و دارای شخصیت حقوقی باشد. به دلیل وجود شخصیت حقوقی است که اگر قانون اجازه تأسیس آن به صورت شرکت با مسئولیت محدود را داده باشد نیز در فعالیتهای تجاری خود از مسئولیت محدود برخوردار خواهد بود.

۲-۲. قواعد حاکم بر شرکت یک نفره

قواعد و مقررات مربوط به این نوع شرکت در تشکیل، اداره و انحلال این نوع شرکت است که در ادامه به بیان مطالبی در این زمینه می‌پردازیم.

۲-۲-۱. قواعد مربوط به تشکیل

شیوه‌ی تشکیل شرکت در قسمت‌های ۷ و ۸ این قانون شرکت‌های انگلستان پیش‌بینی

شده است که حاوی مقرراتی در این زمینه هستند. این قانون بیان می‌دارد که در صورتی شرکت توسط یک یا چند نفر تشکیل می‌گردد که دو مورد الزامی محقق گردد؛ امضا کردن اساسنامه شرکت تجاری و انجام دادن الزامات ثبتی.

قانون شرکت‌های ۲۰۰۶ انگلستان در ماده ۷ بیان می‌دارد: «یک شرکت بر اساس این قانون با یک نفر یا چند نفر تشکیل شود»، که بر اساس آن نه تنها شرکت‌های خاص، بلکه شرکت‌های عام را نیز می‌توان با یک نفر سهامدار و بدون نیاز به تعدد سهامداران تشکیل داد. این قانون، در قسمت عمومی مواد مربوط به تشکیل شرکت، این امر را مجاز دانسته است.

«برای تشکیل شرکت یک نفره، تک‌سهامدار موظف است الزامات قانونی خاصی که توسط قانون‌گذار معین شده است را اجرا نماید. تشکیل صحیح شرکت، الزامات تشریفاتی و ماهوی خاصی را در بر دارد؛ یک اساسنامه خوب پیش‌نویس شده یا به طور کلی اسناد تشکیل شرکت، تعدادی از رایج‌ترین اسنادی است که تک‌سهامدار برای ثبت کردن شرکت و قبل از وارد شدن به فعالیت تجاری، باید اظهار نماید. مهمترین الزام اساسی برای تشکیل شرکت که باید توسط سهامدار صورت پذیرد، وظیفه‌ی آوردن سرمایه کافی است. لکن تعریف کردن سرمایه کافی کار ساده‌ای نیست؛ این امر یعنی تعریف و تعیین میزان کافی سرمایه برای فعالیت تجاری که بیشتر به «نوع فعالیت، مکان و کسب و کار ناخالص آن شرکت» بستگی دارد. در تعیین کردن این که آیا یک شرکت به میزان ناکافی سرمایه جمع‌آوری کرده است، دادگاه باید یک رقم که مقدار مطلوب و عادلانه سرمایه لازم برای شروع کردن شخصیت حقوقی باشد را مشخص نماید. این الزام از این جهت ضروری است که تک‌سهامدار ممکن است یک شرکت تأسیس نماید تا حقوق طلبکاران را در مخاطره قرار دهد و بدهی‌های خود یا شکست‌های تجاری خود را از عهده‌ی خود به دوش طلبکاران شرکت منتقل نماید.

اولین وظیفه سهامدار (یعنی آوردن سرمایه کافی که میزان آن توسط دادگاه معین می‌گردد) در زمان تشکیل شرکت است. دومین وظیفه مربوط به وضعیت اداره و کنترل فعالیت تجاری است یعنی زمانی که شرکت تشکیل شده است. این وظیفه بدین معناست که سهامدار باید به امور ذیل اهتمام داشته باشد: حفظ کردن شخصیت مالی اموال شرکت از اموال شخصی خود، وظیفه‌ی داشتن گزارش دقیق و صادقانه از

شرکت، و اگر تک سهامدار مدیر شرکت است، وظیفه‌ی آگاه کردن و اخطار دادن اشخاص ثالث نسبت به این امر که تک سهامدار نماینده‌ی شرکت است.» (Tessema, p13)

۲-۲-۲. قواعد مربوط به اداره

منظور از اداره این نوع شرکت‌ها، مباحث مربوط به مدیریت، روش‌هایی که در رابطه با موارد خاصی نسبت به این نوع شرکت‌ها اعمال می‌شود و در نهایت، نظارت بر این نوع شرکت‌هاست که در زیر به آن‌ها پرداخته شده است.

الف. مدیریت شرکت یک نفره

«بخش ۱۷۲ قانون شرکت‌ها، وظیفه‌ای به عنوان وظیفه‌ی بالا بردن موفقیت شرکت را مقرر می‌دارد و این گونه بیان می‌نماید که یک مدیر شرکت باید با حسن نیت فعالیت نماید و به گونه‌ای عمل کند که احتمال موقعیت بیشتر باشد تا برای اعضای شرکت به عنوان یک کل، سود به دست آید و برای این که چنین عملکردی داشته باشد، باید موارد زیر را مورد توجه قرار دهد: «نتایج محتمل هر تصمیم در طولانی مدت، سود کارمندان شرکت، نیاز به پرورش دادن فعالیت تجاری شرکت با فروشندگان، مشتریان و دیگران، اثر فعالیت‌های شرکت بر جامعه و محیط زیست، درجه اشتیاق شرکت برای باقی ماندن در یک شهرت برای استانداردهای بالا در رفتار تجاری و نیاز به عمل کردن به صورت مناسب و مساوی بین اعضای شرکت.» در مورد شرکت یک نفره نیز مدیر باید این موارد را مورد نظر قرار دهد.» (Sheikh, 2008, p 395)

«تک عضو، از قدرت و اختیارات مجمع عمومی استفاده می‌کند. تصمیمات گرفته شده توسط تک عضو و قراردادهای بین او و شرکت او که به نمایندگی از شرکت توسط او انجام می‌پذیرد، باید در صورت جلسه ضبط گردد یا به صورت مکتوب در بیاید.» (Miao, 2012, p6)

در بخش ۱۵۴ قانون شرکت‌های ۲۰۰۶ بیان داشته شده است: «یک شرکت خصوصی باید حداقل یک مدیر داشته باشد و یک شرکت عام باید حداقل دو مدیر داشته باشد.» قسمت ۱۵۵ این قانون وجود یک مدیر حقیقی را الزامی می‌داند.

«محدودیتی وجود ندارد نسبت به این مساله که هم افراد سهامدار شرکت و یا افراد خارج از شرکت می‌توانند مدیر این شرکت‌ها قرار گیرند. تک سهامدار ممکن است خودش شرکت را مدیریت نماید یا به دیگری تفویض نماید اگر که او معتقد است که این کار سود بهتری برای شرکت دارد، حدنصاب تعداد مدیر برای شرکت یک نفره این است که مدیریت توسط خود تک سهامدار و یا یک نفر که نماینده اوست صوت پذیرد.» (Tessema, p 23)

بخش ۱۵۵ قانون شرکت‌های انگلستان نیز بیان می‌دارد که: «شرکت باید حداقل یک مدیر داشته باشد که شخص حقیقی باشد...» در توضیح این بخش گفته شده که: «بخش ۱۵۵ قانون شرکت ۲۰۰۶ یک مقرر جدید است. این بخش یک نیاز و الزام را معرفی می‌نماید و آن این است که هر شرکت باید حداقل دارای یک مدیر باشد که این مدیر نیز باید شخص حقیقی باشد. بعد از این که این شرط پذیرفته شد، باید گفت که هر شخص حقوقی‌ای از جمله یک شرکت می‌تواند یک مدیر باشد اما یک شرکت یک نفره نمی‌تواند تک مدیر یک شرکت دیگر باشد.» (Sheikh, 2008, p 358)

ب. روش‌های قانونی جبران خسارات

«در شرکت یک نفره این امکان وجود دارد که سهامدار از حقوق خود تجاوز نماید و به سود طلبکاران شرکت آسیب بزند. در راستای حفاظت از طلبکاران شرکت، لازم است که در مورد شرکت یک نفره به صورت سخت و دقیق مقررات‌گذاری شود و قواعد یکپارچه‌ای برای حفظ حقوق طلبکار وضع گردد.» (Miao, 2012, p1)

«شرکت یک نفره بدون اشکالات هم نیست؛ موارد مطروحه در دادگاه‌هایی که مساله اصلی آن‌ها در مورد شرکت‌های یک نفره بوده، این امر را روشن نموده‌اند که چند اشکال اصلی مرتبط با شرکت یک نفره وجود دارد. مقننین کشورهای مختلف، اصلاحات خاصی را در ارتباط با مقررات شرکت یک نفره ارائه کرده‌اند با این منظور که مقررات موجود پیشین اصلاح گردد و در نتیجه، حقوق اشخاص ثالث به صورت کلی حفظ گردد. مشکلات مربوط به شرکت یک نفره مستقیماً از عدم موفقیت در انجام وظایفی که در بالا به آن‌ها اشاره شد ناشی می‌شود. اولین مشکل مربوط است به این ایده که تک سهامدار ممکن است اموال یا درآمد شرکت را با اموال خودش مخلوط

نماید. علاوه بر این اگر یکسانی کامل بین شخصیت‌ها وجود دارد (یعنی تک سهامدار در رفتار تجاری خود در شرکت به گونه‌ای رفتار کرده باشد که انگار شرکتی وجود ندارد و خود یک تاجر معمولی است) یا اگر سرمایه شرکت برای اهداف خصوصی (اهداف و برنامه‌های خصوصی سهامدار) به کار رود، شرکت «شخصیت ثانوی، صورت خیالی، شخصیت غیر واقعی یا وسیله و سازمان تابعه‌ی» تک سهامدار شده است یعنی عملاً شرکت ماهیت خود را از دست داده و قانون آن را به رسمیت نخواهد شناخت و با تک سهامدار مانند یک شخص طبیعی و نه مدیر یک شرکت برخورد خواهد نمود. جایی که ابزار شرکت استفاده شده است تا از طلبکاران کلاهبرداری شود، از تعهدات موجود طفره روی شود و یا وارد فعالیت‌های غیر صادقانه شود، ما می‌توانیم بگوییم که وظایف رعایت نشده‌اند و حقوق سهامدار به صورت غیرمنصفانه مورد استفاده قرار گرفته شده است.» (Tessema, p 14)

در صورتی که سهامدار از محدودیت‌هایی که توسط قانون تحمیل شده تجاوز کند، رژیم مسئولیت استثنایی مطرح می‌گردد. این رژیم مسئولیت قانون، معمولاً به عنوان «کنار زدن پرده و حجاب شخصیت حقوقی»، «نادیده گرفتن شخصیت شرکت» یا بعضاً تحت عنوان «ایجاد شکاف در دیوار شرکت» شناخته می‌شود. کنار زدن حجاب شخصیت حقوقی متضمن وجود دیوار بین سهامدار و شرکت است، یعنی شخصیت حقوقی مستقل شرکت، دیواری است که سهامدار را از شرکت جدا می‌کند اگر بعضی از شرایط و اوضاع و احوالی که در ذهن قانون گذار بوده است اتفاق افتد این دیوار شکسته می‌شود. «کنار زدن حجاب شخصیت حقوقی یعنی تحمیل کردن مسئولیت شخصی بر سهامدار علاوه بر مسئولیت کیفری، یک راه جبران مناسب است تا از این گونه ردالت‌ها یا معاملات و روابط غیر صادقانه جلوگیری شود.» (Tessema, p 15)

ج. نظارت بر شرکت‌های یک نفره

آنچه می‌توان در رابطه با کلیت شرکت‌های تجاری گفت این است که از اهداف اولیه شرکت‌ها، تولید سود است. «این گونه مقرر شده است که باید بررسی نمود و اطمینان حاصل کرد که آیا مدیر شرکت، قانون و مقررات تعیین شده را در فعالیت‌های تجاری

شرکت رعایت نموده است یا نه. قدم اول برای نظارت کردن، آن است که بدانیم در شرکت چه می‌گذرد. برای این کار، قانون به مدیران این وظیفه را تحمیل کرده است که اطلاعات سالانه را به سهامداران ارائه نماید. در انگلستان، مدیر این وظیفه را دارد تا برای هر سال مالی گزارشی که نشان دهنده یک دید نسبی و مطلوب نسبت به اموال شرکت و یک توصیف از ریسک‌های اصلی و ابهاماتی که شرکت با آن‌ها رو به روست را برای سهامداران آماده نماید. علاوه بر این گزارش، باید فعالیت‌های اصلی شرکت را نشان دهد و مروری بر فعالیت تجاری و دیگر مسائل مرتبط آن باشد.

اما در مورد شرکت‌های یک‌نفره باید این گونه گفت که اگر تک سهامدار خود نیز مدیر آن شرکت یک‌نفره باشد، این توصیه می‌شود که همه‌ی گزارشات مورد نظر از فعالیت‌های تجاری را برای هر احتمال تهیه نماید. (از جمله طرح ادعای تقلب و ... به او نسبت به فعالیت‌های شرکت) اما اگر تک سهامدار خود مدیر شرکت نباشد بلکه مدیریت آن را به دیگری سپرده باشد و می‌خواهد که بر فعالیت‌های شرکتش نظارت نماید، مدیریت باید همه‌ی این اسناد برای او آماده و تسلیم نماید به گونه‌ای که تک سهامدار که مالک شرکت است بتواند کلیه‌ی فعالیت‌های تجاری شرکت را بررسی نماید.» (Tessema, p 24)

د. قواعد مربوط به انحلال

«یک شرکت یک‌نفره مثل شرکت‌های عادی ممکن است به خاطر برخی دلایل داخلی یا خارجی منحل شود و به پایان برسد. حق تک سهامدار در روند انحلال می‌تواند مورد بحث قرار گیرد. در انگلستان، انحلال شرکت‌ها می‌تواند داوطلبانه یا اجباری باشد. بخش ۱۰۰۰ قانون شرکت‌های ۲۰۰۶ همچنین این اختیار را به ثبت‌کننده‌ی شرکت می‌دهد که اگر دلایل موجه و معقولی داشته باشد که بپذیریم که شرکت به فعالیت تجاری ادامه نمی‌دهد یا دیگر به فعالیت خود ادامه نمی‌دهد، در خواست انحلال بدهد. علاوه بر این، قسمت ۱۰۰۳ همان قانون، اشاره می‌نماید که شرکت ممکن است به درخواست شرکت یا مدیران آن منحل شود.» (Tessema, p 26)

۲-۳. دلایل ایجاد شرکت یک‌نفره

«افراد همیشه سود و نفع شخصی خود را بیشتر از نفع جمعی می‌سنجند. در زمان

مواجهه با یک بازار گوناگون و پویا، شرکت یک‌نفره می‌تواند به راحتی استراتژی خود را از طریق رقابت یا ترک کردن بازار تنظیم کند. این امر می‌تواند شرکت را قادر سازد تا کارایی تصمیم‌گیری و رقابت خود را افزایش دهد. به عبارت دیگر، شرکت یک‌نفره حمایت‌کننده‌ی تقویت و پایداری و پیشرفت اقتصادی شرکت است.» (Miao, 2012, p. 1)

«یک شرکت یک‌نفره برای دو هدف مبنایی مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ اهداف اقتصادی و اهداف اجتماعی. در توضیح اهداف اقتصادی باید گفت که یک ملاک تشخیص شرکت یک‌نفره از مالکیت انفرادی این است که تمایز آشکاری بین شرکت یک‌نفره و تک سهامدار آن وجود دارد. به عبارت دیگر، شخصیت حقوقی مستقل که شرکت از سهامدار خود دارد، خصیصه‌ی اصلی آن است. به عبارت ساده، مسئولیت قراردادی شرکت هرگز نمی‌تواند به سهامدار تشکیل‌دهنده آن نسبت داده شود. این دارایی و اموال شخصی سهامدار را از مسئولیت شرکت جدا می‌کند. بنابراین متداول‌ترین علت اقتصادی برای ایجاد شرکت با شخصیت حقوقی این است که تک سهامدار از مسئولیت محدودی که قانون شرکت‌ها ارائه می‌نماید، سود ببرد.

یک علت اقتصادی دیگر مربوط به مالیات است. اگرچه ممکن است این بحث در همه کشورها درست نباشد، در برخی از کشورها از جمله ایالات متحده؛ فعالیت تجاری در قالب شرکت دارای فواید مالیاتی خاصی است.

در رابطه با اهداف اجتماعی از تشکیل شرکت‌های تجاری نیز باید گفت که این مساله با ترویج و پیشرفت فعالیت‌های تجاری کوچک و متوسط دارای ارتباط است؛ بدین صورت که این قسم از فعالیت‌های تجاری با استفاده از یک شرکت یک‌نفره تشکیل و انجام می‌گردد. علاوه بر اهداف اقتصادی و اجتماعی، حمایت از حقوق اشخاص ثالث، هماهنگ سازی قوانین شرکت‌های تجاری در سطح اروپا از دیگر اهداف می‌باشد. شیوه‌نامه دوازدهم قانون شرکت‌های تجاری اروپا بیانگر آن است که «این امر قصد شده است که شوق و علاقه جامعه کامل گردد تا به ایجاد و پیشبرد مؤسسات تجاری کوچک و متوسط تشویق شوند.» می‌توان گفت که کشورهایی که کمترین پیشرفت را هم داشته‌اند مورد توصیه قرار گرفته‌اند که یک سیاستی را بپذیرند

که این فعالیت‌های تجاری کوچک و متوسط را ترویج نمایند که یکی از تشویق‌ها، اجازه دادن شرکت‌های یک‌نفره است، به گونه‌ای که این فعالیت‌های تجاری بتوانند با یکدیگر در پیشرفت اقتصادی که مشتاقانه مورد انتظار است مشارکت نمایند.» (Tessema, p12)

۳. شرکت یک‌نفره در حقوق ایران و آثار آن

بعد از شناسایی شرکت یک‌نفره و شناخت ماهیت و قواعد حاکم بر آن، موضوع اصلی بحث یعنی بررسی و تبیین امکان تأسیس این نوع شرکت در حقوق ایران مورد بحث و نظر قرار گرفته می‌شود.

۳-۱. حداقل تعداد شرکا در حقوق ایران

در این قسمت ابتدا به تعداد شرکا در شرکت‌های تجاری در قوانین موجود و پس از آن به دیدگاه لایحه پیشنهادی قانون تجارت پرداخته می‌شود.

۳-۱-۱. حداقل تعداد شرکا در قوانین تجاری

قانون تجارت مصوب ۱۳۰۳ هجری شمسی در مواردی کاهش تعداد شرکا را سبب انحلال شرکت تجاری دانسته بود. در قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ هجری شمسی حداقل تعداد شرکای لازم برای تأسیس شرکت ذکر شده است، اما در هیچ یک از مواد این قانون و لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷، تقلیل شرکا به یک شریک، به صراحت موجب انحلال شرکت محسوب نشده است.

۳-۱-۲. حداقل تعداد شرکا در لایحه پیشنهادی قانون تجارت

در لایحه تجارت که در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۱/۱/۲۳ به تصویب مجلس رسید در ماده ۳۰۹ کاهش تعداد شرکا به زیر حدنصاب قانونی از موارد انحلال قهری شرکت‌های تجاری محسوب نشده اما در ماده ۳۱۰ به ذی‌نفع اجازه داده شده است که اگر شرکتی تعداد اعضایش به کمتر از حدنصاب قانونی کاهش یابد و بیش از ۶ ماه از این کاهش گذشته باشد از دادگاه تقاضای انحلال کند؛ هرچند در این خصوص مطابق ماده ۳۱۱ حکم شده که دادگاه جهت رفع موجب انحلال به مراجع

صلاحیت دار شرکت، مهلتی متناسب (که نباید از ۶ ماه تجاوز کند) بدهد. علاوه بر این، ماده ۴۷۹، تأسیس شرکت با مسئولیت محدود به صورت تک عضوی را پذیرفته است. به این ترتیب مطابق موازین قانونی فعلی کشورمان هیچ شرکتی نمی‌تواند با یک عضو تأسیس شود.

۳-۲. فرضیات مربوط به مبنا و ماهیت شرکت تجاری

در مورد مبنا و ماهیت شرکت تجاری دو دیدگاه عمده و متفاوت وجود دارد که عبارتند از نظریه «قراردادی بودن شرکت» در برابر نظریه «شخصیت حقوقی یا سازمانی» که در اینجا به تبیین و مقایسه آن‌ها پرداخته و جهت روشن کردن مبنای شرکت‌ها و سپس به طور خاص در رابطه با شرکت یک نفره به بحث و نظر خواهیم نشست.

۳-۲-۱. نظریه قراردادی بودن شرکت در برابر نظریه سازمان

این دیدگاه که در بیان برخی از حقوقدانان (پاسبان، ۱۳۹۳، ص ۵۸) مهمترین مبنای موجود راجع به ماهیت شرکت تجاری است. از دید این نظریه، شرکت جز یک قرارداد نیست؛ این ویژگی در شرکت مدنی و تجاری وجود دارد؛ به عبارت دیگر شرکت را حاصل قراردادی تحت عنوان اساسنامه یا شرکت‌نامه که میان مؤسسان و اعضای آن شرکت منعقد گردیده می‌داند. این قرارداد سبب ایجاد یک وضعیت حقوقی جدید می‌گردد که پس از آن، شخصیت حقوقی در کنار دیگر اشخاص قرار دارد. البته تفاوت‌هایی نیز با دیگر اشخاص از جمله اشخاص حقیقی دارد. با توجه به این خصیلت، اعضای تازه وارد به شرکت با امضای سند انتقال سهام و یا سهم‌الشرکه به نام خود، کلیه مقررات اساسنامه و تصمیمات اساسنامه را پذیرفته و در ردیف اصحاب قرارداد در می‌آیند.

در برابر نظریه قبلی که دیدگاه قراردادی بودن شرکت را بیان می‌کرد، این نظریه قرار می‌گیرد و این گونه استدلال می‌نماید که اشخاص با اختصاص بخشی از دارایی خود به این شخصیت و تفکیک حقوق و تعهدات شخصی خود از آن، سازمانی دارای شخصیت حقوقی مستقل را تشکیل می‌دهند. استدلال عمده طرفداران این نظریه آن است که در شرکت تجاری، اکثریت در مجامع عمومی و جلسات هیات مدیره، نظرات

و اراده خود را بر اقلیت تحمیل می‌کنند، امری که بر خلاف رابطه قراردادی است. لذا این گونه نتیجه‌گیری می‌کنند که نظریه سازمانی بهترین فرضیه است. لکن در رابطه با این نظریات باید گفت مقنن در مورد شرکت‌ها قوانینی وضع کرده است که عدم رعایت آن‌ها سبب بی‌اعتباری شرکت است و صرف قرارداد طرفین باعث ایجاد شرکت نمی‌گردد بلکه باید علاوه بر قرارداد و توافقی که میان اطراف آن صورت پذیرفته اقداماتی انجام گیرد که این اقدامات در قانون تعیین شده‌اند. به عبارت دیگر صرف توافق بین اشخاص و ایجاد قرارداد بین خود، سبب تشکیل شرکت تجاری نبوده و باید اقدامات دیگری انجام داد که در قانون با توجه به نوع شرکت تفاوت‌هایی دارد. در حقوق کشورهای اروپایی نیز تشکیل شرکت با ثبت آن است و لذا این مبنا در این کشورها دارای اعتبار نیست.

البته باید بر این نکته تصریح کرد که حتی اگر بپذیریم که مبنای قراردادی شرکت با ایراداتی رو به روست و نتوان آن را به صورت کامل پذیرفت، اراده تشکیل دهندگان به عنوان رکن اصلی در ایجاد شرکت، دارای نقش و اثر است. با این توضیح که این اراده است که سبب تشکیل شرکت می‌گردد و شخصیت حقوقی‌ای هم که به این شرکت اعطا می‌گردد از جانب قانون‌گذار در پاسخ به این عمل صورت می‌پذیرد. با این حال فرضیه سازمانی بودن شرکت نیز از ایراد بر کنار نیست چرا که این نظریه بر خصوصی بودن رابطه و آزادی اراده در شرکت تجاری اعتقادی ندارند. این امر به خودی خود موجب دخالت دولت در کنترل نحوه تأسیس و اداره شرکت تجاری می‌گردد. ایراد مهمتر آن است که پیش از ثبت شرکت و در مرحله تأسیس شخصیت حقوقی شکل نیافته تا نظریه مزبور به عنوان دیدگاهی جامع پذیرش یابد.

۲-۲-۳. دیدگاه مختار

به نظر می‌رسد که نه نظریه‌ی قراردادی و نه نظریه‌ی سازمانی به تنهایی نمایانگر کاملی از نظام حقوقی حاکم بر شرکت‌های تجاری نیستند. «مدت‌ها نظام قراردادی بودن بر شرکت‌ها حاکم بوده است که البته شکل خاص خود را هم داشته است. لکن امروزه نمی‌توان شرکت‌ها؛ خصوصاً شرکت‌های بزرگ، را صرفاً یک قرارداد محسوب نمود زیرا نقش سنتی قرارداد تثبیت روابط طرفین است و در صورتی کفایت می‌کند که

طرفین قرارداد برای مدت کوتاه با یکدیگر همراه باشند. در شرکت که برای مدت پایدار ایجاد می‌شود، رژیم حقوقی خاصی لازم است تا امکان تغییر و تبدیل حقوق و تعهدات طرفین را در طول حیات شرکت میسر می‌سازد. در شرایطی که قانون‌گذار مقررات ویژه‌ای برای امکان چنین تغییر و تبدیلی ابداع کرده است صحبت کردن از قرارداد شرکت مورد ندارد. همانطور که گفته شده است شرکت در مفهوم امروزی نیاز به قالب خاصی دارد و این قالب را نه اراده اشخاص بلکه قانون به وجود می‌آورد. این امر به ویژه در مورد شرکت‌های تک شریک مصداق دارد؛ اما در مورد شرکت‌های سرمایه و به ویژه شرکت‌های سهامی نیز صدق می‌کند که قانون‌گذار مقررات حقوقی و مالی ویژه‌ای بر آن‌ها حاکم کرده است و عدم رعایتشان گاه موجب عدم تأثیر تصمیمات شرکا و گاه حتی موجب مجازات آنهاست.» (اسکینی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۷)

با توجه به ایرادات وارد بر دو فرضیه قراردادی و سازمانی بودن شرکت که هیچ یک از جامعیت لازم برخوردار نیستند، راه حلی که به نظر می‌رسد این است که باید بین دو مرحله‌ی تشکیل و مرحله‌ی اداره و فعالیت شرکت تفکیک قائل شویم. با این توضیح که تا مرحله ثبت و تشکیل رسمی شرکت، جنبه‌ی قراردادی شرکت غلبه دارد و موسسان ضمن تنظیم مقررات مورد نظر در قالب اساسنامه به قواعد آمره حقوق تجارت شرکت‌ها داوطلبانه گردن می‌گذارند. لکن به محض تشکیل و ثبت، شرکت به عنوان شخصیت حقوقی مستقل، پا به عرصه وجود گذاشته و هرگونه تغییری در مواد اساسنامه آن مستلزم رعایت تشریفات ویژه‌ای که در قانون تعیین شده است می‌باشد. هرچند که این دیدگاه ممکن است جامع و کامل نباشد، لکن پاسخگوی برخی از انتقادات وارد به دو نظر بالاست.

۳-۳. امکان تشکیل و آثار حقوقی ایجاد شرکت یک‌نفره در حقوق ایران

برخی چنین بیان داشته‌اند که: «در کشور ما مطابق قانون تجارت با توجه به این که برای هر شرکتی بسته به نوع و قالب آن حداقلی از اعضا لازم است، تعدد اعضا شرط تشکیل شرکت تجاری است و به این ترتیب در شرایط فعلی تشکیل شرکت با تک عضو - به استثنای شرکت‌های دولتی - امکان پذیر نیست اما به لحاظ سکوت قانون تجارت،

چنانچه هر یک از این شرکت‌ها پس از تشکیل تک عضوی گردند، این امر قانوناً
موجبی برای انحلال آن‌ها نیست.» (تفرشی، ۱۳۹۲، ص ۱۹۷)

لکن ایشان در جایی دیگر که مقدم بر نظر قبلی است چنین ابراز عقیده نموده‌اند
که: «معتقدیم که وجود حداقل اعضای مورد نظر قانون‌گذار - حسب مورد ۲، ۳، ۵، ۷
شخص - هم از عناصر تشکیل دهنده شرکت تجاری است و هم لازمه استمرار
شخصیت حقوقی آن.» (تفرشی، ۱۳۸۶، ج ۲، صص ۶۱-۶۲)

همچنین یکی دیگر از استادان حقوق تجارت، سکوت عامدانه قانون تجارت در
خصوص ضمانت اجرای تقلیل اعضای شرکت تجاری به زیر حداقل قانونی، در
آثارشان این امر را از موارد انحلال قهری شرکت دانسته‌اند. در این خصوص یکی از
حقوقدانان می‌نویسد: «در صورتی که سهام شرکت متعلق به عده‌ای گردد که کمتر از
حداقل مقرر در قانون باشد، شرکت سهامی منحل شده تلقی می‌گردد.» (ستوده، ۱۳۸۹،
ج ۲، ص ۲۵۵) ایشان در جای دیگر با صراحت بیشتری، تک عضوی شدن شرکت
تجاری را موجب انحلال قهری شرکت دانسته و در فصل مربوط به تصفیه شرکت‌ها
اظهار داشته‌اند: «از بین رفتن شرکا به طریقی که کلیه سرمایه شرکت متعلق به یک نفر
شود از موارد انحلال قهری شرکت تجاری است.» (ستوده، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۲۵۵)

در نتیجه باید گفت که در ارتباط با کاهش تعداد سهامداران اگرچه قانون تجارت
به صراحت حکمی را بیان نکرده است لکن نمی‌توان چنین برداشت نمود که قانون،
چنین وضعیتی را موجب انحلال نمی‌داند و مورد تأیید قرار می‌دهد. بلکه باید گفت که
شرکتی که تعداد اعضای آن از میزان تعیین شده در قانون کاهش یابد را نمی‌توان
شرکت دانست؛ در چنین وضعیتی مقررات مربوط به شرکت‌ها از جمله مجامع و
حداکثرها و ... از موضوعیت خارج می‌گردند و این مسأله خلاف آن چیزی است که
مقنن در نظر داشته است. از طرفی با توجه به آمره بودن مقررات تعیین شده در قانون
تجارت، باید گفت که شرکتی که وضعیت آن خلاف این مقررات باشد از نظر قانون
تجارت مورد تأیید نیست و در چنین وضعیتی باید قائل به این بود که هر ذی نفعی
می‌تواند انحلال آن را از دادگاه درخواست نماید. همچنین در صورتی که در چنین
وضعیتی شرکت اقدام به فعالیت‌های تجاری نماید می‌توان قائل به مسئولیت شخصی
اعضای آن شرکت بود.

سؤالی که در رابطه با عنوان شرکت یک نفره مطرح می‌شود این است که آیا اطلاق لفظ شرکت بر این نوع شرکت‌ها یعنی شرکت یک نفره صحیح است و به عبارت دیگر آیا می‌توان چنین مؤسساتی را شرکت دانست؟ با توجه به بحثی که به تفصیل در مورد بیان مفهوم شرکت در حقوق مدنی و حقوق تجارت داشتیم، این سؤال مطرح می‌گردد که شرکت لفظ عربی و از ریشه‌ی "ش ر ک" بوده و لغت عرب نیز به اختلاط دو شریک معنا شده است. (احمدبن فارس بن زکریا، ۱۴۰۴ه.ق، ج ۳، ص ۲۶۵) در تعریف قانون مدنی نیز وجود چند نفر لازم دانسته شده است. بنابراین هم در تعریف لغوی و هم در تعریف اصطلاحی همکاری و وجود دو شریک لازم دانسته شده است و با این توصیف آیا یک شرکت می‌تواند تنها یک شریک داشته باشد و همچنان شرکت نامیده شود؟

در پاسخ به این سؤال باید این گونه بیان داشت که به نظر می‌رسد خلطی میان مفهوم شرکت و شخصیت حقوقی صورت پذیرفته است و از جانب غلبه و ارتباط بسیار نزدیک این دو مفهوم، به جای هم به کار می‌روند در حالی که این دو یکی نیستند. به عبارت دیگر شرکت در عبارت «شرکت یک نفره» به معنای لغوی یا اصطلاحی مرسوم خود به کار نرفته است بلکه منظور از آن، «شخصیت حقوقی» است که به حکم قانون اعطا می‌گردد و ایجاد کننده‌ی تمایز بین دارایی و اموال تجاری شخص از دارایی و اموال زندگی شخصی او می‌گردد. لذا در این جا منظور از شرکت، یک شخصیت حقوقی تجاری است و لفظ شرکت نیز مجازاً مورد استفاده قرار گرفته شده است. از این رو شاید به کار بردن عبارت موسسه تجاری یک نفره دقیق‌تر به نظر رسد.

می‌توان ادعا نمود که شرکت یک نفره در قانون تجارت اگرچه به صراحتاً اجازه داده نشده است لکن غیر ممکن و نامأنوس نیز نیست. قانون‌گذار در مواردی تأسیس و فعالیت چنین شرکت‌هایی را تجویز کرده است. ماده ۴ قانون محاسبات عمومی کشور مصوب سال ۱۳۶۶ تأسیس شرکت با عضو واحد (دولت) را مجاز می‌داند. علاوه بر این، مواردی از جمله کاهش تعداد سهامداران به یک نفر که موجب انحلال دانسته نشده است، شرکت‌های دولتی که دولت آن‌ها تأسیس نموده و تمامی سهام آن را داراست،

نمونه‌هایی از این نوع شرکت در حقوق داخلی فعلی هستند. با توجه به این که لایحه جدید قانون تجارت، این نوع شرکت را در قالب شرکت با مسئولیت محدود پیش بینی شده است.

اضافه بر این باید بیان داشت که اگرچه شرکت دولتی در حقوق ایران نوعی شرکت یک نفره محسوب می‌شود ولی در ماده ۲۰ قانون تجارت نیز نامی از آن به عنوان شرکت تجاری برده نشده است. لکن نباید این شرکت را شرکتی تجاری دانست؛ در قانون تجارت شرکت دولتی به عنوان شرکت تجاری شناخته نشده است و تابعیت آن از قانون تجارت، نیز تنها مربوط به طرز اداره و در موارد سکوت مقررات تأسیس و اسانامه آن است.

در رابطه با تشکیل، اداره و انحلال شرکت یک نفره در حقوق ایران این گونه به نظر می‌رسد که:

تشکیل شرکت یک نفره تشریفات خاصی نداشته و باید مقررات مربوط به آن قالب شرکت (مثلاً مسئولیت محدود) رعایت گردد؛ باید سرمایه نقدی تأدیه و غیر نقدی هم تقویم و تسلیم گردد. البته اگر عبارتی که دال بر یک نفره بودن شرکت هم در نام شرکت الزامی دانسته شود دقیق‌تر خواهد بود. در اساسنامه، میزان سرمایه شرکت، مدت فعالیت و موضوع فعالیت آن درج گردد و تک سهامدار آن را امضا نماید.

اداره شرکت یک نفره نیز به لحاظ ماهیت مختص خود با نحوه اداره دیگر شرکت‌ها متفاوت است. تشریفات مربوط به تشکیل جلسه، حدنصاب لازم برای تشکیل جلسات، تصمیم‌گیری‌ها و ... همه توسط تک سهامدار صورت خواهد پذیرفت. در این زمان لازم است که تصمیمات متخذه توسط تک سهامدار در سندی نوشته، امضا و نگهداری شود.

انحلال این نوع شرکت نیز ممکن است به صورت ارادی و یا قهری صورت پذیرد که در صورتی که ارادی باشد، اراده تک سهامدار برای این امر کفایت می‌نماید.

شایان ذکر است که در مقرراتی که برای شرکت‌های تجاری با شریک واحد پیش بینی می‌شود، می‌توان به شریک این نوع شرکت‌های تجاری اجازه داد که تمام یا بخشی از سهام یا سهم الشرکه خود را به شخص یا اشخاص دیگر انتقال دهد. در صورتی که تعداد شرکای این نوع شرکت‌ها به دو یا بیشتر افزایش یابد، اساسنامه شرکت باید

مطابق با مقررات یکی از انواع شرکت‌های تجاری (دو یا چند عضوی) اصلاح شود و تغییرات آن طبق مقررات مربوط پس از ثبت در مرجع ثبت شرکت‌ها به اطلاع عموم برسد. در هر حال در شرکت‌های تجاری تک عضوی شریک واحد می‌تواند تصمیمات شرکت را اتخاذ کند. در چنین شرکت‌هایی مقررات متداول راجع به حدنصاب‌ها و اکثریت در مجامع عمومی ضرورتی ندارد، زیرا شریک واحد، نیازی به تشکیل مجمع عمومی رسمی با خودش به منظور اتخاذ تصمیم معتبر ندارد. تشکیل دهنده شرکت یک‌نفره می‌تواند خود مدیریت این شرکت را به عهده بگیرد و هم می‌تواند آن را به دیگری بسپارد و خود بر اعمال وی نظرات نماید.

در ادامه باید گفت که در کنار همه فواید و نکاتی که برای شخصیت حقوقی و مسئولیت محدود و ... بیان شد، شخصیت حقوقی دارای خطراتی نیز هست. از جمله خطرات شخصیت حقوقی این است که شخصیت حقوقی می‌تواند به طرق مختلف برای حيله به قانون مورد سوء استفاده قرار گیرد. به عنوان مثال اشتغال به بعضی از امور تجاری برای اتباع بیگانه ممنوع است و در بعضی از موارد محدودیت‌هایی برای اتباع بیگانه وجود دارد. خارجی که نمی‌تواند طبق قوانین داخلی تجارت نماید یا در بعضی از امور تجاری با محدودیت مواجه است با توسل به تأسیس شرکتی توسط دیگران و کنترل سرمایه‌ای که ۹۵ درصد سهام آن متعلق به اوست، مشغول تجارت ممنوعه می‌شود یا از حدود خود تجاوز می‌نماید. نمونه دیگر می‌تواند این باشد که با توجه به این که در حقوق ما برای تاجر محدودیت مسئولیت در مقابل طلبکاران وجود ندارد تاجر مطلع و آگاه متأسف از این که نمی‌تواند مسئولیت خود را در مقابل طلبکاران محدود نماید با تأسیس شرکت با مسئولیت محدود به این هدف نائل می‌آید. در بعضی از کشورها با انتقال دارایی خود به دارایی شخص حقوقی و فقیر سازی تصنعی، مشکلاتی برای حقوق مالیاتی به وجود می‌آورند.

در جهت عکس مکرر اتفاق می‌افتد که حتی آورده شرکت تصنعی است. در خیلی از موارد هدف از تشکیل شرکت با مسئولیت محدود حيله به قانون و فرار از ایفاء تعهدات قراردادی است. در موارد دیگر تشکیل شرکت وسیله‌ای برای کلاهبرداری است. با تشکیل شرکت با سرمایه خیلی کم و افتتاح حساب بانکی به نام شرکت و

دریافت دسته چک اقدام به گرفتن وام‌های کلان و صدور چک بلامحل با مبالغ نجومی می‌نمایند.

البته برخی روش‌هایی نیز برای مقابله با برخی از این خطرات مورد پیش بینی قرار گرفته است؛ از جمله آن روش کنار زدن پوشش شخصیت حقوقی شرکت در مواردی که ثابت شود شرکت اهداف متقلبانه و برای کلاهبرداری بوده که در این موقعیت با کنار زدن و نادیده گرفتن شخصیت حقوقی شرکت، شخص حقیقی مسئول شناخته می‌شود که البته امکان پذیرش و ساز و کار اجرای این ایده در حقوق داخلی ایران نیاز به بحث و نظر دارد که از توان این تحقیق خارج است.

نتیجه

در حال حاضر قوانین و مقررات مربوط به شرکت‌های تجاری که در قانون تجارت منعکس گردیده است، امکان تأسیس شرکت با یک نفر امکان پذیر نیست. از طرفی اگر شرکتی تعداد اعضای آن از میزان مقرر در قانون کاهش یابد را نیز نمی‌توان شرکت یک نفره دانست به گونه‌ای که بعضاً چنین وضعیتی را موجب انحلال شرکت و حتی شخصیت حقوقی آن دانسته‌اند؛ با توجه به امری بودن مقررات قانون تجارت، شرکتی که شرایط شمرده شده در این قانون را از دست دهد، شرکت قلمداد نمی‌شود. بنابراین تعدد شرکا در حقوق ایران هم ابتدائاً و هم استدامتاً شرط است.

آنچه در مورد کاربرد این نوع شرکت‌ها گفته می‌شود این است که شرکت‌های یک نفره برای فعالیت‌های اقتصادی کوچک و متوسط هستند و سبب رشد و رونق اقتصادی در کشورها ارزیابی شده‌اند. امروزه، بسیاری از کشورها این نوع شرکت را در قوانین خود وارد نموده‌اند. لازم به ذکر است که این نهاد می‌تواند مشکلاتی را هم به همراه داشته باشد؛ از جمله مواردی که این نوع شرکت‌ها به قصد تقلب و کلاهبرداری تشکیل می‌شوند و با استفاده از قالب این شرکت‌ها از خود سلب مسئولیت می‌نمایند که در برابر این عمل، اقدامی که در کشورهای با نظام حقوقی کامن لا در نظر گرفته شده این است که در صورتی که احراز شود که شرکت آن اهداف متقلبانه و برای کلاهبرداری بوده، شخصیت حقوقی این شرکت نادیده گرفته می‌شود و تک سهامدار مسئول تعهدات شرکت شناخته می‌شود.

در رابطه با مبنا و ماهیت شرکت‌ها، برخی شرکت را قرارداد و برخی سازمان می‌دانند. ماهیت شرکت یک نفره با نظریه سازمان سازگاری بیشتری دارد زیرا تشکیل شرکت را لزوماً بر مبنای قرارداد بین چند نفر ندانسته و لذا اراده یک جانبه را برای تفکیک بین اموال فرد و تشکیل شخصیت حقوقی کافی ارزیابی می‌نماید.

یادداشت‌ها

۱. ماده ۵۸۱ قانون مدنی
۲. منظور از شرکت‌های عادی شرکت‌هایی است که با دو یا چند سهامدار به عنوان سرمایه‌گذار تشکیل شده یا کسانی که بعداً از شرکت پذیره‌نویسی می‌کنند است. این شرکت‌ها همه‌ی انواع شرکت‌ها را جز شرکت یک نفره در بر می‌گیرد.

فهرست منابع

الف. فارسی

۱. ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۷۶)، *حقوق اداری ایران*، تهران: سمت، ج ۱.
۲. اسکینی، ربیعا (۱۳۷۷)، *حقوق تجارت*، تهران: سمت، ج ۲.
- پاسبان، محمدرضا (۱۳۸۵)، *معرفی لایحه تجارت و نوآوری‌های آن*، تهران: دفتر مطالعات اقتصادی معاونت برنامه ریزی و امور اقتصادی وزارت بازرگانی.
- تفرشی، محمد عیسی (۱۳۹۲)، «شرکت تجاری تک عضوی و تطور تاریخی آن مطالعه تطبیقی»، *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، شماره ۱.
- تفرشی، محمد عیسی (۱۳۷۹)، *معرفی شرکت تجاری*، تهران: انتشارات کانون وکلای دادگستری آذربایجان شرقی و اردبیل.
- تفرشی، محمد عیسی (۱۳۸۶)، *مباحث تحلیلی از حقوق شرکت‌های تجاری*، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، ج ۱.
- ستوده تهرانی، حسن (۱۳۸۹)، *حقوق تجارت*، تهران: دادگستر، ج ۱.
- شایگان، علی (۱۳۳۱)، *حقوق مدنی ایران*، تهران: چاپخانه مجلس.

صقری، منصور(۱۳۷۱)، تعریف شرکت تجاری تحولات حقوق خصوصی، تهران: دانشگاه تهران.

طباطبائی مؤتمنی، منوچهر(۱۳۸۷)، حقوق اداری، تهران: سمت.

لنگرودی، محمدجعفر(۱۳۶۲)، مقدمه عمومی علم حقوق، تهران: گنج دانش.

صقری، منصور(۱۳۷۵)، تحولات حقوق خصوصی، تهران: دانشگاه تهران.

الحیدری، هیوا ابراهیم(۲۰۱۰م)، شرکه الشخص الواحد ذات المسئولیه المحدوده، بیروت: منشورات الحلبي الحقوقیه.

ب. لاتین

1. Angela Schneeman(2002), *The Law of Corporations, and Business organizations*, 3rd Edi., West Thomson Learning.
2. Assamen M. Tessema, *Comparative Single-Member Companies of Germany, France and England: A Ecommendation to Ethiopia*.
3. Beihui Miao(2012), *A Comparative Study of Legal Framework for Single Member Company in European Union and China*.
4. Henry Campbell Black(1986), *M. A., Black's Law Dictionary*.
- Gonga P P S(2007), *A Text Book of Company Law*.
5. Janet Dine, *The Implications of the Twelth Directive In the uk*
6. Saleem Sheikh(2008), *A Guide to the Companies Act 2006*, Routledge-Cavendish.
7. Warner Fuller(1937-1938), *The Incorporated Individual: A study of a One man Company*, Harvard Law Review, Vol.51.